

توانمندسازی اقتصادی زنان در قرآن: تحلیل مفهوم قوامیت و اشتغال زنان آزیتا سامانی*

چکیده

توانمندسازی زنان از منظر اقتصادی، به عنوان یکی از ارکان کلیدی توسعه پایدار در جوامع معاصر شناخته می شود. در جوامع اسلامی، بررسی این مسئله بدون توجه به منابع دینی از جمله قرآن کریم ناقص خواهد بود. پژوهش پیش رو با تمرکز بر آیه ۳۴ سوره نساء، ارتباط میان مسئولیت اقتصادی مردان و امکان مشارکت اقتصادی زنان در چارچوب قرآنی مورد بازخوانی قرار می دهد و با هدف تبیین این نکته که آموزه های قرآنی در تناقض با اصول توانمندسازی اقتصادی زنان قرار ندارند، بلکه با تفسیر مناسب می توانند مبنایی الهام بخش و مشروع برای ایجاد استقلال اقتصادی زنان فراهم سازند، در پاسخ به این سوال که «توانمندسازی اقتصادی زنان در قرآن: تحلیل مفهوم قوامیت و اشتغال زنان چیست؟» و به روش کتابخانه ای و با روش فیش برداری نگاشته شده است. نتایج حاکی از آن است که «قوامیت»، نه به معنای سلطه یا برتری ذاتی مردان، بلکه مسئولیتی مالی و مدیریتی در چارچوب خانواده است. در عین حال، قرآن نه تنها زنان را از فعالیت اقتصادی منع نمی کند، بلکه در موارد متعددی، به شکل غیر مستقیم، مشارکت اقتصادی آنان را تأیید یا تصدیق می نماید. گواه این مدعا، نقش مهم زنان در اقتصاد صدر اسلام و تأثیر مثبت رویکردهای نوین تفسیری بر ارتقای مشارکت اقتصادی آنان در جوامع امروزی است.

واژه های کلیدی: توانمندسازی اقتصادی زنان، قوامیت، اشتغال زنان، قرآن.

* . دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۰۹۱۹۱۰۶۲۴۵۵

مقدمه

در روزگار معاصر، توانمندسازی اقتصادی زنان تنها یک رویکرد در حوزه توسعه محسوب نمی شود، بلکه به عنوان ضرورتی اجتماعی و معرفتی برای بازاندیشی جایگاه زن در عرصه های قدرت، تصمیم گیری و تولید اقتصادی شناخته می شود. در این بستر، جوامع اسلامی با دوگانگی مضاعف روبه رو هستند؛ از یک سو باید پاسخ گوی تحولات نوین اجتماعی باشند و از سوی دیگر، به نصوص قرآنی و منابع دینی وفادار بمانند. در این میان یکی از مفاهیم بنیادین، محل بحث و تفسیرهای گوناگون تبدیل شده، مفهوم «قوامیت» در آیه ۳۴ سوره نساء است. این واژه، که در بسیاری از تفاسیر سنتی عمدتاً با مفاهیم سرپرستی، تقدم، یا ریاست مرد نسبت به زن همراه شده، گاه زمینه ساز برداشت هایی گردیده که نقش اقتصادی زنان را ثانوی، وابسته یا حتی کم اهمیت تلقی می کند.

اما، این پرسش مطرح است که آیا قوامیت، الزاماً به معنای نفی استقلال اقتصادی زنان است؟ آیا می توان این مفهوم را از منظر قرآن کریم، به عنوان «تبیین کل شیء»، به گونه ای بازخوانی کرد که نه در تعارض با مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان قرار گیرد، بلکه زمینه ساز مشروعیت دینی و معنابخشی الهی به آن باشد؟ پاسخ گویی به این پرسش ها نیازمند تحلیلی دقیق، میان رشته ای و زمینه محور از قوامیت است؛ تحلیلی که مفاهیم قرآنی را نه در قالب هایی ایستا و تاریخی، بلکه زنده و پویا در ارتباط با تحولات اجتماعی و نیازهای انسانی معاصر مورد فهم قرار دهد. این پژوهش، در پی آن است که با واکاوی دوباره تفسیری و مفهومی قوامیت، ظرفیت های نهفته در متن قرآن را برای پشتیبانی از توانمندسازی اقتصادی زنان آشکار سازد.

در جهان امروز و با توجه به تغییرات گسترده ای که در حوزه توانمندی های زنان اتفاق افتاده است، پرداختن به حقوق بانوان در اسلام و بازخوانی مبانی قرآنی آن ضروری به نظر می رسد. چرا که بسیاری از آیات و روایاتی که برای صدور احکام فقهی و حقوقی برای زنان مبنا و اصل بوده اند، یا به صورت جامع و کامل مورد مطالعه قرار نگرفته اند و یا آن که برداشت های ناصحیح از آن ها صورت گرفته و یا اصول حاکم بر حوزه حقوق زنان نادیده گرفته شده است. این مسائل و آسیب ها باعث شده که از یک سو، اسلام و حقوق اسلامی، پیوسته از سوی معارضان متهم به نادیده گرفتن حقوق زنان شده و از سوی دیگر، بسیاری از این حقوق در حوزه زنان، با روح اسلام منافات داشته و نظر حقیقی اسلام درباره مسائل اقتصادی زنان آشکار نشود. یکی از این حقوق، حق اشتغال و

توانمندی‌های اقتصادی زن و تبیین مساله قوامیت زوج است که در این تحقیق مورد نقد و بررسی و بازخوانی قرار می‌گیرد و با اصول اخذ شده از متن قرآن و روایات تطبیق داده می‌شود.

پژوهش حاضر با هدف تبیین اثرگذاری مفهوم قوامیت در قرآن بر توانمندسازی اقتصادی و اشتغال زنان، تبیین دیدگاه قرآن درباره حق اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان، تفسیر مفهوم قوامیت و عدم تعارض آن با توانمندسازی اقتصادی زنان و تحلیل تفاسیر نوین از قوامیت تدوین یافته است.

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت، در حوزه تبیین جایگاه اقتصادی زنان در اسلام و به‌ویژه در قرآن، تحقیقات متعددی صورت گرفته که عمدتاً به بررسی مفهوم قوامیت یا تحلیل حقوق اقتصادی زنان از منظر فقهی یا تفسیری پرداخته‌اند. برای نمونه، پژوهش «زن و مسئولیت اقتصادی در قرآن» (سلیمی، ۱۳۹۴) با تمرکز بر آیات ناظر بر نفقه، ارث، و استقلال مالی زنان، بر این باور است که قرآن زمینه‌هایی برای حضور اقتصادی زنان فراهم کرده است. همچنین، تحقیق «قوامیت مرد در خانواده در پرتو آیه ۳۴ نساء» (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۷)، قوامیت را صرفاً به معنای سرپرستی مسئولانه دانسته و نه سلطه‌طلبی مردانه. در همین راستا، مقاله «توانمندسازی زنان در فقه و حقوق اسلامی» (رضوانی، ۱۴۰۰) نیز تلاش کرده تا با ارائه خوانشی فقهی از حقوق زنان، بر لزوم بازخوانی احکام در پرتو تحولات اجتماعی تاکید کند. با این حال، بیشتر این پژوهش‌ها یا صرفاً به بررسی فقهی-حقوقی مفاهیم پرداخته‌اند یا به تفسیر سنتی آیات اکتفا کرده‌اند، بدون آنکه تحلیل میان‌رشته‌ای و کاربردی از مفهوم قوامیت در نسبت با توانمندسازی اقتصادی زنان ارائه دهند. همچنین، با این حال، فقدان پژوهشی که مفهوم قوامیت را در بستر نظریه‌های توسعه انسانی و عدالت جنسیتی به شکل منسجم بررسی کند، همچنان محسوس است.

نوآوری این پژوهش در سه سطح قابل تبیین است: ۱- رویکرد میان‌رشته‌ای: این پژوهش با تلفیق روش‌های تفسیری، جامعه‌شناختی و مفاهیم توسعه، تلاش دارد تا از تحلیل صرف لغوی یا فقهی فراتر رفته و رابطه میان قوامیت و توانمندسازی اقتصادی زنان را در بستر تحولات اجتماعی معاصر تبیین کند. ۲- بازخوانی تفسیری مفاهیم سنتی: مقاله با بازخوانی آیه ۳۴ سوره نساء و استفاده از تفاسیر جدید به تبیین قوامیت نه به مثابه سلطه، بلکه به عنوان مسئولیت مدیریتی پرداخته و از آن به‌عنوان بستری برای

مشروعیت بخشی به استقلال مالی زنان استفاده کرده است. ۳- تأکید بر هم‌سویی قرآن با اصول توسعه انسانی: برخلاف دیدگاه‌های متعارضی که قرآن را مانعی در مسیر توانمندسازی زنان می‌دانند، این پژوهش با استناد به نصوص قرآنی، استقلال مالی زنان را امری مشروع، الهام‌بخش و هم‌راستا با عدالت توزیعی معرفی می‌کند.

۱- مبانی نظری و مفهومی

۱-۱- تعریف توانمندسازی اقتصادی از منظر اجتماعی و قرآنی

توانمندسازی اقتصادی، فرآیندی است که از منظر اجتماعی در آن افراد با ارتقای مهارت‌ها، منابع و فرصت‌ها، قادر به ایفای نقش مؤثر در ساختارهای اقتصادی می‌گردند و در آموزه‌های قرآنی، با اصولی چون عدالت توزیعی، رفع فقر و صیانت از کرامت انسانی پیوند دارد. بررسی این دو رویکرد، زمینه‌ساز فهمی عمیق‌تر و منسجم‌تر از این مقوله خواهد بود.

توانمندسازی مالی: «توانمندسازی»، به معنای ایجاد خودباوری و اتکا به نفس در افراد به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه برای مبارزه با فقر و فرایند آن ظرفیت‌سازی اقتصادی و اجتماعی است (مافی، ۱۳۸۷: ۵۷) و «توانمندسازی مالی» فرایندی است که با فراهم‌سازی ابزارهای لازم، قدرت استفاده بهینه را در افراد ایجاد کرده و زمینه را برای ارتقاء مهارت‌های ادراکی آنان و تشخیص مشکلات و تعیین اولویت‌های اقتصادی مهیا می‌کند (رضوی، ۱۳۸۴: ۲۹).

توانمندسازی اجتماعی: توانمندسازی به معنای خود نیرومندی، خوداتکایی، خودانتخابی، زندگی توأم با عزت در سایه ارزش‌ها، توانایی مبارزه برای احقاق حقوق خود، استقلال عمل، حق تصمیم‌گیری فردی، آزاد بودن، بیدار سازی و توانمند با صلاحیت و قابلیت است. توانمندسازی یک فرایند از پایین به بالا و مشارکت همه اقشار محروم جامعه درباره سرنوشت خود است و از مفاهیم اساسی توسعه اجتماعی محسوب می‌شود (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۰-۱).

توانمندسازی اقتصادی از منظر قرآنی: قرآن کریم با ارائه راهکارهایی همچون «به رسمیت شناختن مالکیت زنان بر درآمد مشروع خود» (نساء: ۳۲)؛ «اختصاص بخشی از سهم‌الارث به بانوان» (نساء: ۱۲) و «بهره‌مندی زنان از زندگی مادی و معنوی در ازای عمل صالح» (نحل: ۹۷)، زمینه‌های توانمندسازی اقتصادی را فراهم می‌آورد. همچنین، «تلاش

و کوشش برای امرار معاش» یکی دیگر از مسائلی است که در آموزه‌های شریعت خاتم، به‌عنوان بزرگ‌ترین عبادت معرفی گشته (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۸۸) و و تنبلی و بیکاری و بی‌حوصلگی در کار و کوشش برای گذران زندگی، بسیار مورد نکوهش واقع شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۹۵).

۲-۱- تحلیل مفهوم قوامیت در قرآن

۱-۲-۱- بررسی واژه‌شناسی «قوامون»

واژه «قوم» و مشتقات آن، در قرآن کریم ۶۶۰ مرتبه به کار رفته است. «قیام» به عنوان مصدر، به معنای برخاستن و نقیض نشستن تعریف شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۹۶/۱۲). این واژه در متون قرآنی، معانی متنوعی از قبیل برخاستن (نمل/۳۹)، توقف (بقره/۲۰)، پایداری و دوام (روم/۲۵)، اراده و عزم (مائده/۶)، وقوع رویداد (روم/۱۲-۱۴)، اشتغال به کار (مزمّل/۲۰)، برپا داشتن (بقره/۳)، استواری (یونس/۸۹)، راه راست (یوسف/۴۰)، تدبیر امور خلق (طه/۱۱۱) و قیّم و سرپرست (نساء/۳۴)، جایگاه (دخان/۵۱)، منزلت (رحمن/۴۶)، اعتدال (فرقان/۶۷) و ... را شامل می‌شود. (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۴۷/۶).

«قوام» به عنوان صیغه مبالغه «قائم» شناخته شده و بدون حرف جر و با حروف «ب، ل، فی، عن، علی و الی» مورد استفاده قرار می‌گیرد (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده قَوم). این واژه در سه آیه از قرآن (نساء/۳۴ و ۱۳۵؛ مائده/۸) به کار رفته و با حروف «علی، ب و ل» استعمال شده است. بر اساس دیدگاه راغب اصفهانی، «قیام بالشخص» دلالت بر قیام اختیاری برای شخص دارد، در حالی که «قیام للشیء» به معنای مراعات و محافظت از شیء است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۰). این تمایز، بیانگر اهمیت قیومیت شوهر بر زن است؛ قوامیت مردان بر زنان حکمی قرآنی است که بر سرپرستی و مدیریت مردان بر زنان (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷/۴) و مسائل سرپرستی در خانواده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶۹/۳) اشاره دارد. در آیه الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ جایگاه، مسئولیت و وظایف مرد در خانواده مطرح شده است. در این آیه همچنین وظایف متقابل زن در مقابل همسر و همچنین راهکار حفظ خانواده از فروپاشی بررسی شده است (مصطفوی فرد و ایماندار، ۱۳۹۶: ۸۲) واژه قوام را رساتر و بلیغ‌تر از واژه قیّم دانسته‌اند و او را کسی می‌دانند که عهده‌دار مصالح و تدبیر است (بغوی، ۱۴۲۰: ۱۱/۱).

راهکارها و پیشنهادهای کاربردی

برای گسترش تفسیری مسئولانه از قوامیت در گفتمان دینی، لازم است که مسئولیت‌پذیری و سرپرستی مرد در خانواده، با استناد به آیه ۳۴ سوره نساء و آیه ۲۲۸ بقره به عنوان وظیفه‌ای مبتنی بر محبت، عدالت و مشورت، به عنوان کارپردازی و پاسداشت حقوق زنان تبیین شده و برداشت‌های ناصحیح که قوامیت را به سلطه یا تحمیل اراده یک‌طرفه مرد بر زن، فرو می‌کاهد، با تبیین معنای اصیل آن اصلاح گردد. در این چارچوب، الگوی اشتغال زنان، سازگار با کرامت انسانی و موازین شرعی، باید با به رسمیت شناختن حق مشارکت اقتصادی آنان، با حفظ حجاب، عفاف و رعایت حقوق خانواده، طراحی شود و محدودیت‌های اشتغال صرفاً در مواردی اعمال شود که منجر به تضعیف بنیان خانواده یا اختلال در تربیت فرزندان گردد. تقویت حضور اقتصادی زنان، از طریق مشورت‌پذیری، انعطاف در مدیریت امور داخلی و پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی قانونی و عرفی مشروط به حفظ ساختار خانواده، امکان‌پذیر است تا هم کرامت و خودکفایی زن ارتقا یابد و همزمان کارکردهای اصلی خانواده را صیانت می‌کند.

فهرست منابع

(کتاب)

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۴)، النهایة، قم: اسماعیلیان.
۲. ابن سعد، محمد (بی‌تا)، طبقات الکبری، بیروت: دارصادر.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۵. ابن هشام (بی‌تا)، السیره النبویه، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیه.
۶. احمدی سیستانی، سیدمصطفی (۱۳۹۲)، رهیافتی بر کارآفرینی و اشتغال بانوان با رویکرد فقهی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۷. امامی، سید حسن (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۸. انصاری، حمید (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. آیتی، محمدابراهیم (۱۳۶۹)، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: اسلامی.

۱۱. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، محقق: مهدی، عبدالرزاق. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. بلاغی، عبدالحجه (۱۳۸۶)، حجة التفاسیر، قم: حکمت.
۱۳. ترمانینی، (۱۳۸۵)، رویدادهای تاریخ اسلام، ترجمه جمعی از پژوهشگران پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، زن در آئینه جلال و جمال، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم، مرکز علوم و حیانی اسراء.
۱۶. حسین خانی، نورالله (۱۳۹۲)، سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
۱۷. حکیمی، محمد (۱۳۸۷)، دفاع از حقوق زن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران: اسلامیه.
۱۹. راشدی، لطیف و سعید (۱۳۸۵)، پیامبر اعظم و زنان، قم: پیام عدالت.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالقلم.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم: فرهنگ اسلامی.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلامی للمطبوعات.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، قم: بعثت.
۲۷. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مرتضوی.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، قم: هجرت.
۲۹. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک.

۳۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق)، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم، مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامی.
۳۱. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث، تهران، بعثت.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، حقوق مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، میزان و دادگستر.
۳۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، حقوق مدنی: خانواده، تهران، سهامی انتشار.
۳۵. کرمانی، فهیم (۱۳۷۴)، چهره زن در آینه اسلام و قرآن، چ ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۷. گرامی، محمدعلی (بی‌تا)، محمد رسول الله و مبانی ایدئولوژی اسلامی او، تهران: فخرایران.
۳۸. مافی، فرزانه (۱۳۸۷)، اعتبارات خرد، ویژگی ها، تجارب، ملاحظات، راهبردها، تهران: مرکز تحقیقات مجمع تشخیص نظام، گروه پژوهشی اقتصاد.
۳۹. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۶۵)، بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۰. مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
۴۱. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، یادداشت‌های استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۴۳. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴)، التفسیر الکاشف، قم، دار الکتب الاسلامی.
۴۴. مقدادی، محمد مهدی (۱۳۸۱)، «ریاست مرد در رابطه زوجیت»، نامه مفید، ۳۳.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۸)، آیین انقلاب اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۷. مهریزی، مهدی (۱۳۹۰)، شخصیت و حقوق زن در اسلامی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

۴۸. امامی، زهرا؛ توحیدفام، محمد؛ درویش‌پور، حجت‌الله؛ بخشایش اردستانی، احمد (۱۴۰۰)، «الگوی اشتغال بانوان در گفتمان انقلاب اسلامی: بررسی و ترسیم هسته‌های گفتمانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۰ (۴).

۴۹. رضوی، میرکاظم (۱۳۸۴)، «کاربرد روش‌ها و فنون رهیافت مشارکت‌گامی در جهت ظرفیت‌سازی سازمانی و توانمندسازی مردم جوامع محلی»، چهارمین کارگاه فنی کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی؛ اصول و روشهای کاربردی.

۵۰. سعیدزاده، محسن (۱۳۷۴)، «مشاغل زنان در عصر رسالت»، پیام زن، ۳۸.

۵۱. مصطفوی فرد، حامد؛ ایماندار، حمید (۱۳۹۶)، «رویکرد اندیشوران شیعه به مفهوم قوامیت مرد در آیه ۳۴ سوره نساء»، آموزه‌های قرآنی، ۲۶.

Abstract

Women's empowerment from an economic perspective is recognized as one of the key pillars of sustainable development in contemporary societies. In Islamic societies, it would be incomplete to examine this issue without regard to religious sources, including the Quran. The upcoming study, focusing on verse 34 of Surah Nisa'a, recites the relationship between men's economic responsibility and the possibility of women's economic participation in the framework of the Qur'an, and aims to explain that the teachings of the Qur'an are not in contradiction with the principles of women's economic empowerment, but with proper interpretation can provide an inspirational and legitimate basis for creating women's economic independence, in response to the question " women's economic empowerment in the Qur'an: what is the analysis of the concept of women's strength and employment? And it's written in a library way and in a phishing way. The results indicate that "consistency", not in the sense of dominance or inherent superiority of men, but financial and managerial responsibility within the framework of the family .At the same time, the Quran does not only prohibit women from economic activity, but also indirectly confirms or acknowledges their economic participation in several cases.The evidence of this claim is the important role of women in the economy of Islam and the positive impact of new interpretative approaches on promoting their economic participation in modern societies.

Keywords: women's economic empowerment, strength, women's employment, Quran.